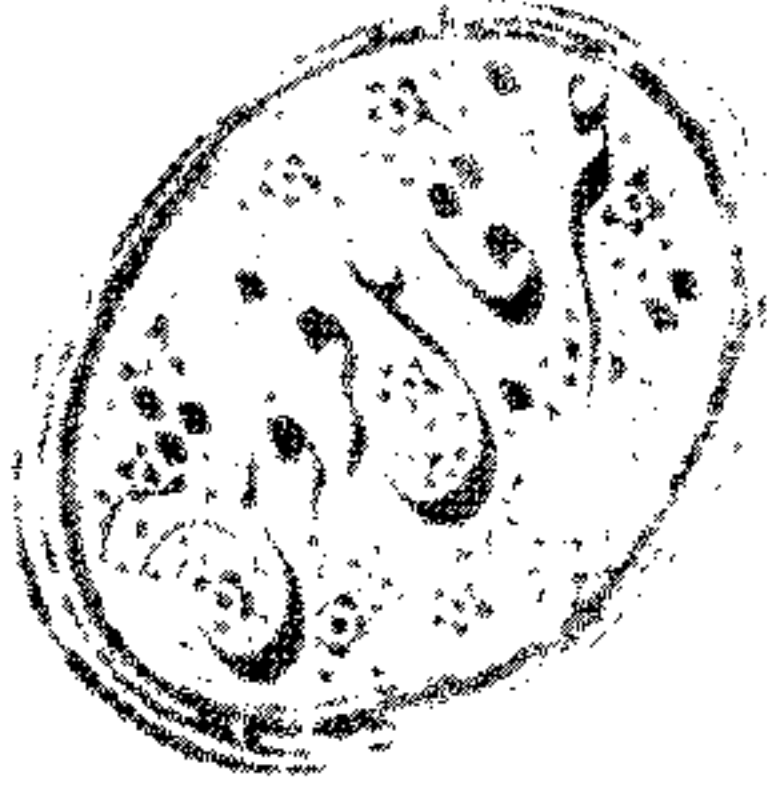




کتاب  
علمشہاری

# آفتاب پنہان

سید علی پور طباطبائی



بہ نام خداوند جان و خسر

# آفتاب پنهان

سید علی پور طباطبائی

سید علی پور طباطبایی  
آفتاب پنهان / سید علی پور طباطبایی  
تهران: روزنامه همشهری، ۱۳۸۸  
ص. ۴۰

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۱-۰۸۵-۹

کتاب همشهری: ۱۱۴  
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا، (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).  
محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

PIR ۲۶/۲/ش۹ پ ۱۳۸۸  
۱۲۰۴۲۲۲

۲۹۷/۹۷۲۲  
کتابخانه ملی ایران



**آفتاب پنهان**  
(به مناسبت نیمه شعبان)  
نویسنده: سید علی پور طباطبایی  
ناشر: روزنامه همشهری  
طرح جلد: آرزو یزدانی  
شماره کتاب: ۱۱۴  
تاریخ انتشار: ۸۸/۵/۱۵  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۱-۰۸۵-۹  
شمارگان: ۴۰۰ هزار نسخه  
تلفن: ۲۳۰۲۳۲۳۹

پست الکترونیکی:

[Ketabehamshahri@hamshahri.org](mailto:Ketabehamshahri@hamshahri.org)

## مقدمه

عشق و علاقه ایرانیان به رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تا حدی است که در روزهای شهادت این سروران همام، بازارها بسته می‌شود و تن‌ها و دیوارها سیاه‌پوش می‌شوند. سیل خروشان جمعیت برای عرض تسلیت به مرقد ائمه یا نوادگان ایشان سرازیر می‌شود و حزن و اندوه سراسر ایران را فرا می‌گیرد. در واقع ایران در عشق به ائمه غرق شده است و ایرانیان سرآمد ارادتمندان به ایشان هستند و اصل تولی را به خوبی به اجرا در می‌آورند.

محرم و صفر نیز که مردم به سوگ امام حسین (ع) و دیگر ائمه از دنیا رفته در این ماه‌ها می‌نشینند، اوج حزن و اندوه را نشان می‌دهد. در واقع بیشتر توجه‌ها به این است که چه روزی شهادت است تا مردم علاقه و اندوه خود را به امامان نشان بدهند.

خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توجه به مفهوم انتظار و تلاش برای حرکت در مسیر آماده شدن برای ظهور آن منجی بشریت عمق و شتاب بسیار قابل ملاحظه‌ای یافته است.

امامی که به اعتقاد همه زنده است، در میان ما رفت و آمد می‌کند و حتی ممکن

است او را بینیم ولی نشناسیم و با استفاده از امتیاز غیبت، از دست دشمنان در امان مانده تا روزی که ظهور کند.

### در جست و جوی ...

میرزا وقتی به خانه آمد، زیر بغلش جوجه‌ای را هم آورده بود. بچه‌ها خوشحال شدند و وقتی درباره جوجه پرسیدند، جواب شنیدند که بزرگش می‌کنیم تا شب عید با پلو بخوریمش. همه خوشحال شدند که میرزا به اندازه‌ای که فکر کتاب و درس و حدیث است، به فکر اهل و عیالش هم هست و پلو مرغ شب عید را از حالا تدارک می‌بیند.

یکی، دو ماهی گذشت و جوجه کم‌کم مرغ شد. روزها در حیاط رهایش می‌کردند و او هم هرچه پیدا می‌کرد، می‌خورد و چون از مال حلال بود، به تنش گوشت می‌شد. میرزا و خانواده‌اش هم اندک‌اندک نظاره‌گر رشد مرغ سفره شب عیدشان بودند.

بالاخره عید شد. صبح روز قبل از عید، همسر میرزا به پسر بزرگش گفت که مرغ را بگیرد و ببرد تا قصاب برایشان سر ببرد. میرزا هم سفارش کرد که حتماً آبش بدهند و مواظب باشد که قصاب بسم‌الله را بلند بگوید و کاردش تیز باشد و ... پسر بزرگ میرزا اما نتوانست مرغ را پیدا کند، انگار آب شده بود و رفته بود توی زمین. میرزا که این را شنید، خودش شخصاً دنبال مرغ افتاد، از همسایه‌ها پرسید و حتی مرغ‌های آن‌ها را هم شخصاً بازرسی کرد تا مبادا کسی مرغ میرزا را اشتباهی! به خانه برده باشد، اما خبری از مرغ نشد.

مثل این که قسمت بود عید آن سال میرزا و خانواده بدون مرغ برگزار شود، وقتی که همه پای سفره نشستند، همسر میرزا برنج و خورش را آورد. همه با حسرت به جای خالی مرغ روی برنج نگاه می‌کردند که ناگهان انگار صدایی در گوششان زنگ زد که اگر این طوری که دنبال مرغتان می‌گشتید، منتظر ما بودید، حتماً ظهور تا الان اتفاق افتاده بود. میرزا بود که های‌های گریه می‌کرد و بر سرش می‌کوبید چون فهمیده بود که حتی به اندازه جستجوی یک مرغ هم، انتظار امام زمانش را نکشیده است!

در واقع شناخت و معرفت امام زمان (عج) در میان شیعیان آن حضرت نیز زیاد نیست. وقتی واژه مهدویت یا امام مهدی (عج) را به کار می‌بریم اکثر مردم، تنها یاد جمکران، جشن‌های نیمه شعبان و در نهایت خون‌ریزی در زمان ظهور می‌افتند. در حالی که اگرچه مسجد جمکران به عنوان مسجدی که به فرمان آن حضرت ساخته شده است، از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در مقابل دریای معارف آن حضرت، قطره‌ای بیش نیست و همین‌طور، مهر و محبت آن حضرت بسیار بیشتر از آن است که به یاد خون‌ریزی‌های اجتناب‌ناپذیر آستانه ظهور بیفتیم، خون‌ریزی‌های که بیشتر قبل از ظهور حضرت رخ می‌دهند و ایشان با ظهور خویش عدالت و امنیت واقعی را به ارمغان می‌آورند.

در این نوشتار مختصر، با استفاده از تعدادی از کتب معتبر مهدویت که حاصل تلاش علما و اندیشمندان حوزه علمیه قم است و با تکیه بر روایات و آیات مرتبط با بحث مهدویت، تلاش بر آن بوده است تا معرفی‌ای مختصر از زندگانی امام زمان (عج) ارائه و مباحث عمده مهدویت طرح گردد.

بی‌تردید کاستی‌های این نوشتار به گردن نگارنده می‌باشد. در عین حال وظیفه خود می‌دانم از راهنمایی‌های استاد بزرگوار، حجت‌الاسلام و المسلمین پورسید آقایی تشکر و تقدیر به عمل بیاورم که سالیان متمادی در گسترش فرهنگ و معارف مهدوی کوشیده‌اند و نوشتار حاضر بی‌راهنمایی‌های ایشان شکل نمی‌گرفت. همچنین، دوست خوبم، مهدی موسوی‌نژاد نیز در امر تطبیق منابع و به خصوص بخش ادعیه منتسب به حضرت مهدی (عج) کمک‌های شایانی انجام دادند که شایسته تقدیر است. در نهایت این نوشته را به مادر گرامی امام زمان (عج)، حضرت فاطمه زهرا (س) تقدیم می‌کنیم و حضرت ولی‌عصر (عج) را به حق مادر گرامی‌شان قسم می‌دهیم که ما را از الطاف گرانقدر خودشان بهره‌مند سازند.

### مهدویت یعنی چه و شامل چه موضوعاتی می‌شود؟

مهدویت یعنی اعتقاد به نهضت حتمی یک رهبر آسمانی از دودمان نبوی که پیش از پایان جهان، برای نجات آدمیان و تجدید حیات مادی و معنوی آنان پیاپی می‌خیزد و بر پهنه زمین چیره می‌گردد. او که مهدی (عج) لقب دارد با ایجاد حکومت واحد جهانی، سراسر جهان را در پرتو تعالیم عدل‌گستر اسلام اداره می‌کند و تباهی‌ها، نابرابری‌ها، بی‌دادگری‌ها و نابسامانی‌ها را ریشه‌کن می‌کند.

موضوعات مهدویت، تمام معارف درباره امام مهدی (عج) به طور خاص و منجی موعود به طور عام را در بر می‌گیرد. موضوعات مهدوی، مسائلی از علوم اسلامی است که به مباحث امام زمان (عج) می‌پردازد. برای مثال، برخی از این موضوعات به شرح زیر است:

۱. امام مهدی (عج) در قرآن: بررسی آیات دلالت‌کننده بر وجود امام یا قیام و حکومت ایشان یا دیگر مباحث درباره حضرت مهدی (عج)؛

۲. امام مهدی (عج) در روایات: بررسی روایات نقل شده درباره امام مهدی (عج)؛

۳. دلایل عقلی و نقلی اثبات امام مهدی (عج): اثبات وجود امام با دلایل عقلی و آیات و روایات؛

۴. علل غیبت امام زمان (عج)؛

۵. آثار و فواید امام غایب؛

۶. انتظار و وظایف منتظران؛
  ۷. علائم و شرایط ظهور امام؛
  ۸. ویژگی‌های یاران و دولت مهدوی؛
  ۹. اوضاع جهان قبل از ظهور؛
  ۱۰. رجعت یا بازگشت مردگان به دنیا؛
  ۱۱. بحث از دعاها و اماکن منسوب به امام؛
  ۱۲. آسیب‌شناسی یا بررسی پی‌آمدها؛
  ۱۳. تاریخ عصر غیبت صغرا و وضع شیعه در آن زمان؛
  ۱۴. بحث از ولایت فقیه یا نیابت عام (فقیهان دین) امام زمان در عصر غیبت کبرا؛
  ۱۵. جهانی شدن و حکومت واحد جهانی؛
  ۱۶. مهدویت و مسائل جدید کلامی؛
- و بسیاری از موضوعات دیگر. در این مجال مختصر، برخی از این عناوین مورد بحث بیشتر قرار می‌گیرند. ابتدا زندگی امام زمان (عج) را به طور کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهیم. نام، القاب، معرفی مادر بزرگوار ایشان، ولادت پنهانی و خصوصیات امام عصر (عج) ابتدا مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس دوره‌های مختلف زندگی ایشان شامل اختفا، غیبت صغرا و غیبت کبرا را به طور اجمالی و می‌کاویم و در بخش بعدی فلسفه غیبت را بررسی می‌کنیم، چرا که بررسی فلسفه غیبت از جهات مختلف اهمیت دارد.
- در ادامه، سازمان و کالت را به عنوان واسطه میان شیعیان و امامان در دوران غیبت بررسی می‌کنیم و از میان انبوهی از وکیلان ائمه (ع)، چهار نائب معروف امام زمان (عج) در دوران غیبت صغرا را به اجمال معرفی می‌کنیم.
- در دوران غیبت کبرا، نهاد مرجعیت، وظیفه تدوam خط امامت و رسالت را برعهده دارد، لذا در چند صفحه به بررسی ریشه‌های روایی این وظیفه می‌پردازیم و سپس آثار امام مهدی (عج) را معرفی می‌کنیم.
- چهار دعای معروف در نزد شیعه وجود دارد که یا از امام زمان مستقیماً نقل شده است یا هنگام یاد کردن از ایشان، خواندن آنها توصیه شده است. این ادغیه نیز



به اختصار معرفی شده‌اند.

در مجالی کوتاه نیز به معرفی برخی از مدعیان مهدویت پرداخته‌ایم و سپس در بخش پایانی، نحوه استفاده امام زمان (عج) و نابیان ایشان از ثروت‌های درونی زمین را بررسی کرده‌ایم.

در انتها نیز سه کتاب ارزشمند در زمینه مهدویت معرفی شده‌اند که نگارنده بهره‌های فراوان از آنها برده است و برای مطالعه بیشتر توصیه می‌شوند.

### زندگی امام عصر (عج)

زندگانی امام عصر (عج) از آغاز با حوادث شگفتی همراه بوده است. امام دوازدهم شیعیان، که هم اکنون در غیبت به سر می‌برد، تولدی پنهانی داشتند و در کودکی به امامت رسیدند. امامت ایشان با غیبت صغری شروع شد و با غیبت کبری تاکنون ادامه پیدا کرده است. با هم به بررسی بخش‌هایی از زندگی امام عصر می‌پردازیم:

#### الف) میلاد

دوازدهمین امام شیعیان، فرزند امام حسن عسکری (ع)، در سپیده‌دم جمعه، نیمه شعبان، سال ۲۵۵ ق (۸۶۹م) در سامرا چشم به جهان گشود. اصل ولادت مهدی جزو مسلمات تاریخ است که به جز ائمه، عالمان، مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت بدین امر تصریح کرده‌اند. در برخی کتاب‌های پژوهشی بیش از ۶۵ تن، از این عالمان و نام کتاب‌های آنان آمده است.<sup>۱</sup>

#### ب) نام

نام آن حضرت، محمد همان نام جدش، رسول‌الله (ص) است. تمامی مورخان و محدثان معتقدند که پیامبر (ص) خود این نام را بر او نهاده بود. این هم‌نامی بی‌دلیل نیست، بلکه گویای این حقیقت است، هم‌چنان که پیامبر (ص) با طلوع خود، جهانیان

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۲۷-۴۲۸.

۲. نک: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۱۸-۲۰.

را از گمراهی و جهل نجات داد، دوازدهمین فرزندش نیز با ظهور خود بشر را از تاریکی و ضلال می‌رهاند.

### ج) القاب

القاب مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، حجت، خلف صالح، بقیة الله، منصور، صاحب الامر، ولی عصر و صاحب الزمان که معروفترین آنها مهدی است. هریک از این القاب وجه یا جوهری دارد، برای مثال آن حضرت را مهدی می‌گویند از آن جهت که هدایت، به حق می‌کند، و قائم می‌گویند چون قیام به حق می‌کند، و منتظرش گویند چون مؤمنان در انتظار قدم اویند، و حجت نامند از آن رو که حجت و گواه خدا بر خلق به شمار می‌آید. در نگین انگشتر حضرت نیز همین لقب نقش شده که کفعمی عبارت انگشتری حضرت را این گونه بیان می‌کند: «أنا حجة الله وَ خاصته.»

### د) مادر

روایات گوناگونی درباره مادر آن حضرت، وارد شده؛ مسعودی آن بانوی بزرگوار را کنیزی به نام نرجس می‌داند. شهید اول نام او را مریم، دختر زید علویه بیان می‌کند. شیخ طوسی در روایتی نام او را ریحانه خوانده، اما بلافاصله اضافه می‌کند که به او نرجس، صقیل (صقیل) و سوسن نیز می‌گفتند. شیخ مفید اسم آن بزرگوار را نرجس می‌داند که در روایت حکمیه، عمه امام عسکری (ع) نیز تنها همین نام بیان شده است. برخی از محققان نام اصلی او را همان نرجس می‌دانند و برآنند که دیگر اسامی، به جز صقیل را بانوی او حکیمه، دختر امام جواد (ع) به وی داده است.

شیخ صدوق مطابق روایتی او را ملیکه، دختر یثوع پسر قیصر روم و مادرش را از نسل شمعون یکی از حواریین مسیح می‌داند.

آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به آنجا می‌رسد که مادر امام زمان

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۴.

۲. الارشاد، ص ۳۹۰.

می‌شود و حکیمه، عمه امام عسکری (ع) (که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است) او را بانوی خود و خانواده خویش می‌خواند و خود را خدمتگزار او می‌داند. شیخ صدوق در روایتی نسبتاً دقیق تولد امام زمان (عج) را از قول حکیمه، دختر امام جواد (ع) این‌گونه بیان می‌کند:

«ابومحمد حسن بن علی (ع) با پیکی مرا به نزد خود خواند و گفت: «ای عمه، امشب افطار را در نزد ما بگذران؛ زیرا پانزدهم شعبان است، امشب خدای متعال حجت خود را در زمین ظاهر خواهد کرد»، از او پرسیدم: «مادرش کیست؟» فرمود: «نرجس»، گفتم: «جانم فدایت! ولی آثار وضع حمل در او وجود ندارد»، فرمود: «آنچه گفتم، همان خواهد شد». بنابراین، وارد شدم و سلام کردم، نرجس پیش آمد تا کفش‌هایم را از پا در آورد و به من گفت: «بانوی من! حال شما چطور است؟» بدو گفتم: «تو بانوی من و بانوی خاندان منی»، ولی او از سخن من امتناع ورزید و پاسخ داد: «ای عمه! چه می‌فرمایید؟»، بدو گفتم: «دخترم! امشب خداوند متعال پسری به تو عطا می‌فرماید که مولای این جهان و آن جهان خواهد بود»، او خجالت زده و سرخ شد، پس از آن که نماز مغرب به جای آوردم، افطار کردم و به خواب رفتم، نیمه شب از خواب برخاستم تا نماز عشا به جای آورم، نماز خواندم در حالی که نرجس در خواب بود، بدون آن که اثری از وضع حمل در او دیده شود. آنگاه نشستم و نماز نافله خواندم، پس از آن به رختخواب رفتم و دوباره بیدار شدم، ولی او هنوز در خواب بود. آنگاه برخاستم، نماز نافله را به جای آوردم و دوباره دراز کشیدم.»

حکیمه، ادامه می‌دهد: «از اطاق خارج شدم تا طلوع فجر را بینم و نخستین مرحله طلوع را دریابم، ولی او هنوز خوابیده بود. از این‌رو، از انتظار امام عسکری (ع) (در این باره) مردد شدم، درست در همان لحظه، امام از جای خود صدا زد، ای عمه! عجله نکن، امر نزدیک است! من نشستم و سوره‌های حم، سجده (سوره ۴۰) و یس (سوره ۳۶) را تلاوت کردم، در همان لحظه او (نرجس) با هوشیاری از خواب برخاست، من به سوی او روان شدم و گفتم: «خود را جمع کن و آرامش قلبی را به دست آر.» در عین حال در آن لحظه احساس خواب کرده و چرت بر من غالب شد؛ پس از آن، با صدای مولایم از خواب برخاستم و چون پوشش را از او بلند کردم،

حضرتش را دیدم به حال سجده بر زمین افتاده بود، او را بر دامان گرفتم و متوجه شدم پاک و تمیز است.

امام عسکری (ع) به من فرمود: «ای عمه! هفت روز دیگر برای دیدار او بیایید»، روز بعد آمدم تا به ابومحمد، سلام گویم، پرده را بالا زدم تا مولایم را ببینم، ولی او را ندیدم. از این رو، از امام پرسیدم: «جانم به فدایت! برای مولای من چه اتفاقی افتاده؟»، حضرتش پاسخ فرمود: «ای عمه! او را به همان کس که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد، سپردیم.»

### ه) ولادت پنهانی

حاکمان بنی عباس در دوران امامت عسکریین (ع) نگرانی عمیقی داشتند، زیرا در اخبار و احادیث بسیاری پیامبر (ص) و ائمه (ع) بشارت تولد فرزندی از امام حسن عسکری (ع) را داده بودند که اساس حکومت‌های باطل را برهم می‌زند، تاج و تخت‌ها را واژگون می‌کند و عدل و داد را در دنیا می‌گستراند. از این رو، آن دو بزرگوار، به ویژه امام حسن عسکری (ع) سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت برای جلوگیری از تولد چنین فرزندی می‌کوشید.

به همین علت، دوران حمل و تولد امام مهدی (عج) از مردم پنهان بود. به گفته امام رضا (ع) ولادت پنهانی از ویژگی‌های آن حضرت است: «خفی الولاده و المنشأ». در احادیث بسیاری نیز آمده است که مهدی (عج) مشابهت‌هایی به حضرت ابراهیم و موسی (ع) دارد.<sup>۱</sup>

پس از ولادت نیز، جز اصحاب و یاران خاص امام عسکری (ع) آن هم به صورت پراکنده کسی فرزندش مهدی (عج) را نمی‌دید که در بحث درباره دوره اختفای زندگی حضرت به تعدادی از این افراد اشاره می‌کنیم.

۱. درباره مشابهت حضرت مهدی (عج) با انبیای الهی مطالب فراوانی موجود است. به عنوان نمونه باید ذکر کرد که یکی از القاب آن حضرت «یوسف زهرا» می‌باشد که کنایه از مشابهت ایشان با حضرت یوسف (ع) است.

## (و) خصوصیات

محدثان و مورخان، براساس روایات بسیاری از پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) اوصاف حضرت مهدی (عج) را در کتاب‌های خویش آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

آن حضرت فرزند پیامبر (ص)، از اولاد بانوی گرامی اسلام؛ حضرت فاطمه زهرا (س)، نهمین پیشوا از نسل امام حسین (ع)، خاتم اوصیا، منجی نهایی و قائد جهانی محسوب می‌شود. وی دو غیبت دارد که یکی کوتاه‌مدت و دیگری بلندمدت است. او جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و... مهدی (عج) با این مشخصات، ویژگی‌ها و ده‌ها نشانه و علامت دیگر پیش از ظهور، مقارن ظهور و پس از ظهور تحقق می‌یابد. مهدی (عج) امام معین و منصوص است که دیگر هرچه بگویند و هر کس را پیش اندازند، یاوه و قبول آن حماقت است.

مهدی (عج) غایب، خلیفه حق، ولی مطلق، خاتم اولیا، وصی اوصیا، منجی نهایی، قائد جهانی، انقلابی اکبر و مصلح اعظم است. چون درآید، به کعبه تکیه کند، و پرچم پیامبر (ص) را در دست گیرد، دین خدا را زنده سازد و احکام خدا را در سراسر گیتی جاری کند. او با شمشیر درآید و زمین پر شده از جور و بیداد را پر از مهربانی و داد گرداند.

او اهل قیام و جهاد، عبادت و تهجد، خشوع و خضوع، زهد و ساده‌زیستی، صبر و بردباری، عدالت و احسان، و... است. او سرآمد همگان در علم و دانش و سراپا عدل، برکت و پاکی است.

## (ز) دوره‌های زندگی حضرت

دوره‌های زندگی حضرت به سه دوره «اختفا»، «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا» تقسیم می‌گردد. عصر ظهور و بعد از ظهور نیز می‌تواند از دوره‌های زندگی امام (عج) محسوب شود که در بحث‌های کلامی به آن پرداخته می‌شود.

## ۱. دوره اختفا

این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ ق) تا رحلت امام عسکری (ع) (۲۶۰ ق) است. حضرت در مدت این پنج سال در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می‌کرد. امام عسکری (ع) دو وظیفه اساسی و حساس را در آن دوره عهده‌دار بود؛ یکی حفظ فرزند از گزند خلفای عباسی و دیگر اقامت و حور او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم که آن حضرت از عهده‌داران آن به پیران گونه برآمد؛ هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصت‌های مناسب به تدریس و سوسن خود او را معرفی نمود، اما به دلیل اختناق شدید عباسیان، تنها تعداد اندکی از پیران سدیق امام عسکری (ع)؛ مانند ابوهاشم جعفری، احمد بن اسحاق، حکیمه و خدیجه، عمه‌های امام دوازدهم (ع) از ولادت آن حضرت آگاه بودند.

معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری نقل می‌کنند: چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری (ع) گرد آمدیم. آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من است، از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می‌شوید و دینتان تباه می‌گردد، این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.»

بنا بر بررسی مدارک تاریخی امام عسکری (ع) برای حفظ جان فرزندش نخست او را در سامرا و سپس در مدینه پنهان نمود. امام دوازدهم (عج) در مدینه تحت سرپرستی مادر بزرگ پدری خود زندگی می‌کرد.

بنا به روایت مسعودی، امام عسکری (ع) در سال ۲۵۹ ق از حدیث، مادر خود درخواست کرد تا به حج مشرف شود، از آن پس حدیث و نوادهاش با محافظت احمد بن مطهر، یار صمیمی و نزدیک امام عسکری (ع) به مکه رفتند. به نظر می‌رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج، مدینه را محل اختفای امام دوازدهم (عج) قرار داده باشند. برخی از روایات نیز می‌تواند مؤید همین نکته باشد؛ چنان‌که زمانی ابوهاشم جعفری از امام عسکری (ع) پرسید: «پس از وفات شما، سراخ جانشینتان را در کجا باید گرفت؟»

امام پاسخ داد: «در مدینه.»

به گفته برخی از محققان، بیشترین احتمال این است که امام دوازدهم (عج)، بخش عمده دوران کودکی خود را در مدینه گذرانده باشد؛ زیرا امام عسکری (ع) خطر اقامت فرزندش را در عراق تشخیص داده بود.

### ۲. غیبت صفرا

با شهادت امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ ق مرحله غیبت کوتاه مدت امام دوازدهم (عج) آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق، یعنی هفتاد سال به طول انجامید. این غیبت را به دلیل محدود بودن زمان، غیبت صفرا می گویند. این دوره نقش بسیار مهمی در آمادگی شیعه برای پذیرش غیبت کبرا داشت.

امام در طول غیبت صفرا از نظرها پنهان بود، اما کسانی با آن حضرت در تماس بودند و سمت «نواب خاص» امام را داشتند؛ نواب مشکلات و مسائل شیعیان را به عرض آن حضرت می رساندند و پاسخ را دریافت می کردند. گاهی گروهی از مردم با نایبان خاص به دیدار امام می رسیدند. این نایبان چهار نفر بودند که به «نواب اربعه» مشهورند.

اینان که همگی از علما و بزرگان شیعه هستند به ترتیب عبارتند از:

۱. ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری از ۲۶۰ ق تا هنگام وفات که به ظاهر قبل از سال ۲۶۷ ق بوده است.<sup>۱</sup> برخی وفات او را در سال ۲۶۵ ق بیان کرده اند؛
۲. ابو جعفر، محمد بن عثمان عمری (از هنگام وفات سفیر اول تا ۳۰۵ ق)؛
۳. ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی (۳۰۵ - ۳۲۶ ق)؛
۴. ابوالحسن، علی بن محمد سمری (۳۲۶ - ۳۲۹ ق).

### ۳. غیبت کبرا

سومین مرحله از زندگی امام مهدی (عج) را، دوران درازمدت «غیبت کبرا» تشکیل می دهد. این دوره پس از سپری شدن «غیبت صفرا» آغاز شده و تا کنون ادامه یافته و به امر خداوند تا هنگام حصول «اقتضای تام»، یعنی تا زمان فراهم شدن

۱. نک: ترجمه تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۱۵۶.

زمینه پذیرش رهبری و حکومت جهانی آن حضرت از نظر جمعیت و امکانات ادامه خواهد یافت.

این مرحله میدان بزرگ‌ترین آزمایش انسان‌ها و غربال مؤمنان و سنجش ایمان و عمل قرار گرفته، در این مدت طولانی «حجت» خدا در پشت پرده غیبت، خورشیدگونه از پس ابرها، نورافشانی می‌کند.

نیابت نیز همانند «غیبت»، به دو مرحله و گونه تقسیم می‌شود، یعنی دو مرحله دارد و به دو گونه «نیابت خاصه» در «غیبت صغرا» و «نیابت عامه» در «غیبت کبرا» است.

امام در «نیابت خاصه»، اشخاص معینی را به اسم و رسم نایب خود قرار داد و هر کدام را با نایب پیش از خود به مردم شناساند.

امام در «نیابت عامه»، ضابطه کلی و معینی را مشخص نموده که هر فردی آن ضابطه‌ها را از همه جهت و در همه ابعاد اجرا نماید، به نیابت از امام، ولی جامعه در امر دین و دنیا خواهد بود.

این مقام و این نیابت را خود حضرت مهدی (عج) به عالمان واجد شرایط تفویض نموده‌اند.

شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که گفت: مولای ما حضرت مهدی (عج) (در باره وظیفه شیعیان در زمان غیبت) فرموده است: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم؛

در حوادث و رخ‌دادهایی که واقع می‌شود به روایت‌کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

طبرسی همچنین از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت در ضمن حدیثی می‌فرماید:

و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يلقدوه؛

هریک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوا و هوسش و مطیع



فرمان مولایش (ائمہ علیہم السلام) باشد بر مردم، لازم است که از او تقلید کنند. بنابراین، امور مسلمانان در زمان «غیبت کبرا» بر عهده «ولی فقیه» است که باید با نظر او انجام و جریان یابد. منصب «فتوا»، «قضاوت» و «حکم» برای فقیهان از پیش، توسط امامان معصوم (ع) جعل شده بود، ولی رسمیت مرجعیت و زعامت فقهای اسلام از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت و پس از ظهور مهدی (عج) نیز دولت ایام، پیوسته از آن اولیای خدا خواهد بود.

### فلسفه غیبت

یکی از سؤالاتی که همواره از سوی بسیاری مطرح شده و می‌شود، چرایی و فلسفه غیبت است. این سؤال پاسخی مفصل و جامع می‌طلبد که در این مجال فرصت آن نیست اما به اجمال، پرداختن به آن باعث پاسخ‌گویی بسیاری از سؤالات خواهد شد. این باور که مهدی موعود (عج) منجی بشریت است و در آینده ظهور و قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید، در میان مسلمانان از زمان رسول گرامی اسلام (ص) رواج یافت و جزو اعتقادات اسلامی قرار گرفت. اصل اعتقاد به «مهدی موعود» با ویژگی‌هایی مانند این که مهدی (عج) از اهل بیت رسول خدا (ص) و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) است به جهت فراوانی و تواتر روایات، پذیرفته همه مذاهب شیعه و سنی بوده است، با این تفاوت که عموم اهل سنت می‌گویند: «مهدی موعود» به آخر الزمان متعلق است و هنوز متولد نشده است، ولی شیعه امامیه می‌گوید: مهدی موعود متولد شده و به دلایل و حکمتی چند در پس پرده غیبت قرار دارد. غیبت امام (عج) با آمادگی و انتظار مردم گره خورده است. به همین جهت، آمادگی و انتظار ظهور مهدی (عج) از اعمال بافضیلت شیعیان در عصر غیبت به شمار می‌آید.

از بهترین دلایلی که بر حقانیت و اصالت مبانی مذهب حقه شیعه امامیه (اثنا عشری) می‌توان برشمرد، این است که امامان معصوم قبل (ع) در طول سال‌های پیاپی غیبت امام مهدی (عج) را پیشگویی کرده‌اند و در برابر واقعیه که با همه نوار به تضعیف روایات و جرح راویان روایت‌ها درباره غیبت می‌پرداختند و بسیاری از آن

روایات را مجعول و ساخته آن گروه می خواندند، مبارزه کردند و سرانجام گردش ایام درستی آن احادیث شریف و پیش‌گویی امامان اطهار(ع) را بر آنان ثابت نمود و غیبت امام دوازدهم(عج) با همان ویژگی‌هایی که از زبان پیامبر(ص) و یکایک امامان پیشین بیان شده بود، به وقوع پیوست تا کسی در آینده نتواند ادعا کند شیعیان اثناعشری برای درستی مدعای خود درباره غیبت امام دوازدهم(عج) احادیثی جعل کرده‌اند.

البته می‌توان این مسئله را خواست و لطف و عنایت خداوند دانست که بر ایشان ارزانی داشته است.

اما حکمت و فلسفه غیبت امام مهدی(عج) چه بوده است؟ چرا حضرت مهدی(عج) مانند دیگر امامان در میان مردم آشکارا زندگی نکرده است؟ با نگاه به رخ داده‌ها و حوادث طبیعی و عادی، فشارهای روزافزون عباسیان بر طالبیان<sup>۱</sup> به ویژه بر بنی‌فاطمه و امامان معصوم(ع) را علت غیبت و پنهان بودن امام مهدی(عج) خواهیم یافت. به عبارت روشن‌تر، امامان(ع) در برابر این سیاست عباسیان از شیوه اختفا و غیبت یاری گرفته بودند تا وجود مقدس امام مهدی(عج)، از گزند حوادث زمان مصون و محفوظ بماند و در فرصت مناسب به میان مردم آید و مردم از وجود مقدسش بهره‌مند گردند. فشارهای سیاسی که از زمان امام جواد(ع) بر امامان معصوم(ع) وارد می‌شد، همواره افزایش می‌یافت. این فشارهای رو به افزایش موجب شد که فعالیت‌های امام یازدهم(ع) به حداقل برسد تا جایی که زمینه مساعد برای رهبری‌های امام مهدی(عج) به کمتر از حد نصاب خود رسید. در این هنگام خواست و مشیت خداوند به غیبت امام مهدی(عج) تعلق گرفت.

دکتر جاسم حسین در کتاب ارزشمند خود، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، در این باره می‌نویسد:

مقامات حکومت عباسی خواستار ایجاد محدودیت در فعالیت‌های ائمه(ع) بودند، از این رو، آنان را به دربار خود می‌بردند و تحت نظر می‌گرفتند تا آن‌که دیگر نتوانند فعالیت‌های خود را در میان پیروان خویش انجام دهند.

۱. مراد از طالبیون آنانی هستند که از نسل حضرت ابوطالب، پدر گرامی علی(ع) هستند.

محدودیت‌هایی که از زمان حضرت رضا(ع) بر ائمه(ع) تحمیل شد تا زمان امام یازدهم، حضرت عسکری(ع) ادامه یافت. در نتیجه ائمه(ع) نیز سیاستی اتخاذ کردند تا آخرین وصی خود را از شرایط مشابه مصون دارند.

امامان(ع) به این نتیجه رسیدند که پسر امام یازدهم(ع) از چشمان عباسیان پنهان شود تا بتواند فعالیت‌های خود را ناشناخته به انجام برساند... این امام، دوازدهمین امام است. چنین اقداماتی از پیش صورت می‌گرفت تا امامیه را به قبول سفیران به عنوان واسطه‌های ائمه(ع) آماده سازد.

همین تفسیر و فلسفه غیبت در روایات اسلامی نیز به گونه‌ای دیگر بیان شده است.

برخی روایات اسلامی درباره حکمت غیبت امام مهدی(عج) در پی می‌آید:

#### ۱. رازی از رازهای الهی

غیبت امام مهدی(عج) رازی الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده است و تنها بعد از آن که ظهور حضرت فرا رسد، روشن خواهد شد. پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

یا جابر! ان هذا الامر من امر الله و سر من سر الله، مطوی عن عباده؛  
ای جابر! این امر الهی و رازی از رازهای خداوندی است که بر بندگان پوشیده است.

امام صادق(ع) فرمود:

ان لصاحب هذا الامر غيبة لا بد منها يرتاب فيها كل مبطل، فقلت: و لم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم، قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال: وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله - تعالى ذكره - ان وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف الا بعد ظهوره كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما اتاه الخضر(ع) من خرق السفينة و قتل الغلام و اقامة الجدار لموسى(ع) الى وقت

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(ع)، ص ۲۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

افتراقهما؛<sup>۱</sup>

همانا برای «صاحب الامر» غیبتی تخلف ناپذیر است. هر جوینده باطلی در آن به شک می افتد و اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت های پیشین وجود داشت و پس از ظهور، روشن خواهد شد، همانند حکمت کارهای خضر(ع) از کشتن پسر بچه و برپاداشتن دیوار شکسته، اینها وقتی برای موسی(ع) روشن شد که آن دو، از هم جدا شدند. غیبت امری از امور الهی و رازی از رازهای اوست.

### ۲. آزمایش و غربال انسان های صالح

در برخی از روایات آمده است که حکمت غیبت حضرت ولی عصر امام مهدی(عج) غربال کردن انسان های صالح و آزمایش مردم به این وسیله است.

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) فرمود:

اما والله لاقتلن انا و ابنای هذان ولیبعثن الله رجلاً من ولدی فی آخر الزمان یطالب بدمائنا، ولیغیب عنهم تمیزاً لاهل الضلالة حتی یقول الجاهل: ماالله فی آل محمد من حاجة؛<sup>۲</sup>

به خدا قسم، من و این دو فرزندم (حسن و حسین) شهید خواهیم شد، خداوند در آخر الزمان مردی از فرزندانم را به خونخواهی ما برخواهد انگیخت و او مدتی غایب خواهد شد تا مردم آزمایش شوند و گمراهان جدا گردند، تا جایی که افراد نادان می گویند: خداوند دیگر به آل محمد کاری ندارد.

امام حسین(ع) فرمود:

له غیبة یرتد فیها اقوام و یشب علی الدین فیها آخرون فیودون و یقال لهم متی هذا الوعدان کنتم صادقین. اما ان الصابر فی غیبه علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله(ص)؛<sup>۳</sup>

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲؛ لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۲۶۶-

۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۲. نعمانی، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۱۴۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

برای امام مهدی (عج) غیبی است. در این غیبت برخی از دین برمی آورده و برخی ثابت قدم می مانند. هر که در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که دشمنان بدید می آورد، استقامت نماید، به قدری از اجر خداوند بهره مند می گردد که انکار در کنار پیامبر (ص) با شمشیر بر دشمنان جنگیده است.

امام پنجم (ع) در پاسخ به این پرسش که فرج شما کی خواهد بود، فرمود: هیئات هیئات لایکون فرجنا حتی تغربلوا، ثم تغربلوا، ثم تغربلوا؛ فرج و ظهور حضرت اتفاق نمی افتد، مگر آن که شیعیان به شدت در امتحان الهی شرکت کنند.

امام صادق (ع) فرمود:

... غیر أن الله - عزوجل - یحب أن یمتحن الشیعة؛<sup>۱</sup>

غیبت امام مهدی (عج) امتحان شیعه است.

امام هفتم، موسی بن جعفر (ع) نیز در این باره فرمود:

انما هی محنة من الله - عزوجل - امتحن بها خلقه؛<sup>۲</sup>

این غیبت خود مایه امتحان بندگان خداوند بزرگ است.

### ۳. ستم پیشه بودن انسانها

فلسفه غیبت در برخی از روایات، ستم پیشه بودن انسانها بیان شده است.

امیر مؤمنان علی (ع) در مسجد کوفه فرمود:

واعلموا أن الارض لاتخلو من حجة الله - عزوجل - و لكن الله سیعمی خلقه عنها

بظلمهم و جورهم و اسرافهم علی أنفسهم...؛<sup>۳</sup>

زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و

زیاده روی انسانها، آنان را از وجود حجت خود محروم می سازد.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰۴؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱.

## ۴. آمادگی جهانی

برای ظهور حضرت مهدی (عج) به منزله «خانم الومسیا» و منجی جهانی بشریت و کسی که در کرد زمین، دین اسلام را بر تمامی دین‌ها پیروز بگرداند، زمینه و آمادگی جهانی لازم است. از این رو، جهان باید زمینه این پذیرش را داشته باشد تا این هدف محقق شود. بنابراین، نبود آمادگی جهان را از فلسفه‌ها و حکمت‌های غیبت امام مهدی (عج) می‌توان برشمرد.

## ۵. آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان

بنابر برخی از روایات اسلامی، غیبت امام مهدی (عج) از آنروست که آن حضرت در دوران غیبت از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان آزاد باشد و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را بر عهده نپذیرد تا در زمان قیام خود آزادانه بتواند بکوشد. دیگر امامان (علیهم السلام) از روی تقیه حکومت‌ها را به رسمیت می‌شناخته‌اند، ولی امام مهدی (عج) به تقیه مأمور نیست. از این رو، امام مهدی (عج) با حکومت‌ها و طاغوت‌های زمان بیعت نمی‌کند.

امام حسن مجتبی (ع) در این باره فرموده است:

ما منّا أحد الا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه إلا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم خلفه فانّ الله - عزوجل - یخفی ولادته و ینیب شخصه لئلا یكون لأحد فی عنقه بیعة إذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین...!

هر کدام از ما در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را از روی تقیه به عهده گرفته‌ایم، مگر امام مهدی (عج) که عیسی بن مریم به امامت آن حضرت نماز می‌گزارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه دارد و برای او غیبتی در نظر گرفته تا زمانی که قیام می‌کند، بر گردنش بیعت حاکمی نباشد.

روایات دیگری نیز از دیگر امامان معصوم (ع) رسیده است، مانند روایتی از امام سجاد (ع) که فرمود:

و ليس لأحد في عنقه بيعة؛<sup>۱</sup>

بیعت با کسی بر گردن او نیست.

و یا سخن امام هشتم (ع) در این باره که فرمود:

لئلا يكون لأحد في عنقه بيعة اذا قام بالسيف؛<sup>۲</sup>

برای آن که هنگام قیام با شمشیر بیعت با کسی بر گردن او نباشد.

همچنین توقیعی از ناحیه مقدسه برای اسحاق بن یعقوب، توسط محمد بن عثمان

عمروی صادر شد. حضرت در این توقیع فرمود:

و اما علة ما وقع الغيبة فان الله - عزوجل - يقول: يا أيها الذين آمنوا لا تسئلوا عن

أشياء ان تبدلکم تسؤلکم. انه لم یکن لاحد من آبائی (ع) ألا قد وضعت فی عنقه بیعة

لطاغیة زمانه و إتی أخرج حین اخرج و لا بیعة لأحد من الطواغیت فی عنقی؛<sup>۳</sup>

اما این که چرا غیبت واقع شده است، خداوند - عزوجل - فرمود: «ای مؤمنان! از

چیزهایی که اگر پاسخش را بدانید، خوش آیند شما نیست، پرسش نکنید.» همه پدران

من تقیه نمودند و با طاغوتیان زمان بیعت نمودند، ولی من در پس پرده غیبت قرار

گرفته‌ام تا بیعت طاغوتیان بر گردنم نباشد و در هنگام خروج آزادانه قیام نمایم.

#### ۶. حفظ جان امام مهدی (عج)

خداوند به وسیله غیبت امام دوازدهم (عج) جانش را از شر دشمنان حفظ نموده

است. اگر مسئله غیبت امام مهدی (عج) مطرح نبود، معتمد عباسی که به خون آن

حضرت تشنه بود، مانند پدران بزرگوار آن حضرت، امام مهدی (عج) را نیز شهید

می‌کرد و زمین از حجت خداوند خالی می‌شد.

روایات فراوانی از امامان اهل بیت (ع) در این باره رسیده است.

امام پنجم (ع) فرموده است:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۰.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱.

این للقائم غیبة قبل أن يقوم، قال: قلت: و لم؟ قال: يخاف؛  
 برای قائم ما (امام مهدی (عج)) قبل از آن که به پا خیزد، غیبتی است. راوی پرسید:  
 برای چه؟ حضرت فرمود: چون ترس از کشته شدن او وجود دارد.  
 شیخ طوسی بعد از بیان روایاتی چند درباره فلسفه غیبت می‌نویسد:  
 آنچه از اخبار درباره حکمت و فلسفه غیبت آمده است، مانند امتحان شیعه،  
 «صعوبة الأمر عليهم» و «اختیارهم للصبر علیه»، اینها حکمت و فلسفه غیبت نیست،  
 بلکه اثر و نتیجه غیبت برای شیعیان است. سبب و فلسفه غیبت همان ترس از کشته  
 شدن امام مهدی (عج) به دست دشمنان است.»<sup>۱</sup>

#### سازمان و کالت، حلقه واسطه میان شیعیان و امامان

گفتیم، از جمله اقدامات مهم دو امام عسکری (ع) تقویت و گسترش فعالیت  
 سازمان و کالت بود. این سازمان که از دوره‌های پیشین آغاز به فعالیت کرده بود،  
 به دلیل ضرورت‌های عصر امامان (ع)، از عصر امام صادق (ع) آغاز به کار نمود و  
 دامنه فعالیتش در عصر دیگر امامان (ع) رو به فزونی نهاد و البته در شرایط سیاسی و  
 اجتماعی، به فرازها و نشیب‌هایی برخورد.

فعالیت این سازمان در عصر غیبت صغرا اوج گرفت؛ چراکه ارتباط شیعیان با  
 امام معصوم در این عصر تنها از این طریق امکان می‌پذیرفت. از این‌رو، امام هادی و  
 امام عسکری (ع) برای تثبیت هر چه بیشتر و کیلان و جایگاه آنان در جامعه شیعه  
 اقداماتی لازم انجام می‌دادند. تبیین دقیق‌تر نوع فعالیت این سازمان و وظایف آن، این  
 مدعا را بهتر می‌تواند اثبات کند.

این سازمان در عصر غیبت صغرا با رهبری چهار نایب خاص حضرت مهدی (عج)  
 و با فعالیت چندین وکیل که در نواحی مختلف شیعه‌نشین بودند، وظیفه رهبری  
 شیعیان در ابعاد مختلف دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بر عهده داشت.

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰۳؛ درباره فلسفه غیبت، نک: مجله حوزه، ش ۷۱-۷۰، ویژه  
 بقية الله الاعظم، ص ۳۵۳-۳۸۲؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۶۹-۶۷۲.



## معرفی نواب اربعه

در زمان غیبت صغرای امام زمان (عج) (از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ ق) امر ارتباط میان آن حضرت و شیعیان بر عهده چهار نفر از بزرگان شیعه بوده است که در واقع نایب خاص و وکیل و سفیر امام عصر (عج) بوده‌اند و به «نواب اربعه» مشهورند. این افراد در مرتبه‌ای از فضیلت و برتری بوده‌اند که از طرف امام زمان (عج) و بعضاً از طرف امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) به عنوان وکلای ایشان انتخاب شده بودند. البته غیر از این چهار نفر، وکلای دیگری هم از طرف امام (ع) در بلاد مختلف بودند که یا بوسیله همین چهار نفر امور مردم را به عرض امام زمان (عج) می‌رساندند و از سوی امام در مورد آنان توقیعی صادر شده بود، و یا به گفته مرحوم آیت‌الله سید محسن امین، سفارت این چهار نفر سفارت مطلق و عام بوده ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند، از قبیل «ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی» و «احمد بن اسحاق اشعری» و «ابراهیم بن محمد همدانی» و «احمد بن حمزه بن الیسع».

اما نواب اربعه که سفارت مطلق و عام داشته‌اند به این شرح‌اند:

## ۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

عثمان بن سعید در ابتدا وکیل امام هادی (ع) بود و سپس وکالت امام حسن عسکری (ع) را عهده‌دار شد و پس از شهادت امام عسکری (ع) به عنوان اولین نایب امام زمان (عج) برگزیده شد. امام هادی (ع) به احمد بن اسحاق فرمود:

«این ابو عمرو [عثمان بن سعید] فردی امین و مورد اطمینان من است. آنچه به شما بگوید، از جانب من می‌گوید و آنچه به شما برساند، از طرف من می‌رساند»

امام حسن عسکری (ع) نیز در خصوص او همین جمله را بیان فرمود. عثمان بن سعید به «سنان» (روغن فروش) مشهور بود. وی این شغل را در حقیقت پوششی برای فعالیت‌های سیاسی خویش قرار داده بود. و اموالی را که برای رسانیدن آن به امام (ع)، وی داده بود، در ظرف روغن می‌نهاد و نزد حضرت می‌برد. عثمان بن سعید پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) مراسم تغسیل و تدفین آن حضرت را عهده‌دار شد.

تاریخ وفات وی دقیقاً مشخص نیست. برخی احتمال داده‌اند بین سال‌های ۲۶۰ تا ۲۶۷ در گذشته باشد. و برخی فوت او را در سال ۲۸۰ هـ دانسته‌اند.

### ۲. اباجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

عثمان بن سعید دومین نائب خاص امام مهدی (عج) می‌باشد که پس از درگذشت پدرش از طرف امام (ع) به عنوان نائب برگزیده شد. وی از منزلت خاصی در نزد شیعیان برخوردار بود حضرت مهدی (عج) پس از درگذشت عثمان بن سعید (پدر محمد بن عثمان) ضمن توقیعی به وی تسلیت گفت و پس از دعای خیر در حقش امر نیابت را به او واگذار کرد.

در حدیثی از امام حسن عسکری (ع) آمده است:  
«العمری وابنه ثقتان»

«عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان هر دو ثقه و مورد اعتماد هستند.»  
محمد بن سعید حدود ۴۰ سال عهده‌دار نیابت حضرت بود. و سرانجام در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ رحلت کرد. وی دو ماه قبل از رحلتش با اعلام حضرت مهدی (عج) زمان مرگ خود را یادآور شد. قبری برای خود حفر کرد و روز موعود از دنیا رفت.

### ۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

حسین بن روح به عنوان سومین نائب خاص حضرت مهدی (عج) امر نیابت حضرت را پس از محمد بن عثمان بن سعید عهده‌دار شد. وی در زمان حیات محمد بن عثمان از طرف حضرت مهدی (عج) به عنوان جانشین وی پس از محمد بن عثمان منصوب و توسط محمد بن عثمان به شیعیان معرفی شد.

عباس اقبال می‌نویسد:

«حسین بن روح؛ به تصدیق موافق و مخالف از فهمیده‌ترین و عاقلترین مردم روزگار بوده است.»

اقبال می‌نویسد:

«حسین بن روح؛ مدتی مقام وزارت مقتدر عباسی را عهده‌دار بود. وی به منظور

هواداری از شیعیان در دستگاه خلافت نفوذ کرده بود. اما با روی کار آمدن «حامد بن عباس»، وزارت او با مشکلاتی مواجه شد و از سال ۳۱۲ تا ۳۱۷ در زندان بسر برد. حسین بن روح به منظور حفظ تقیه یکی از خدمتکاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود، عزل و اخراج کرد.

در مجلسی وی به جهت حفظ تقیه خلفای راشدین را به نیکی یاد کرد. این سخن موجب شد یکی از دوستانش ناخواسته تبسم کند. حسین بن روح پس از آن جلسه او را توبیخ کرد که چرا خندیدی؟ چه بسا این گونه برخورد کردن روش تقیه را به خطر اندازد. این مسئله نشان دهنده وضعیت خاص شیعیان و فشار و خفقانی است که از طرف دولت عباسی، شیعیان با آن مواجه بودند. بدون شک حسین بن روح و دیگر نواب خاص حضرت دارای صبر، شجاعت، تقوا، و رازداری و صفات برجسته‌ای بوده‌اند که به این مقام منصوب شده‌اند. در خصوص صبر و مقاومت و رازداری حسین بن روح آمده است: عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: تو چرا نایب خاص حضرت نشدی و به جای تو حسین بن روح به این منصب رسید؟ او گفت: «ائمه (ع) خود بهتر می‌دانند چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان زیاد رفت و آمد دارم و با آنها مناظره می‌کنم. اگر آنچه را حسین بن روح در مورد امام مهدی (ع) می‌داند، من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم وقتی لجاجت دشمنانم را می‌دیدم، می‌کوشیدم دلایل بنیادی بر وجود امام (ع) ارائه دهم. در نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر حسین بن روح امام را زیر عبای خود پنهان کرده باشد، اگر بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند، تا امام را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند و امام را نشان نخواهد داد.»

حسین بن روح تا سال ۳۲۶ امر نیابت حضرت را بر عهده داشت و در این سال از

دنیا رفت. باقر شریف القرشی می‌نویسد:

وی مدت ۲۱ سال منصب نیابت خاصه امام زمان (عج) را بر عهده داشت و ۱۸

شعبان سال ۳۲۶ رحلت کرد.

کتاب التأدیب از تألیفات فقهی اوست.

## ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمري

چهارمین و آخرین نائب خاص امام مهدی (ع) علی بن محمد بن سمري، پس از درگذشت حسين بن روح و به دستور آن حضرت امر نیابت را عهده‌دار شد. وی از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ هـ نائب خاص حضرت بود و در این سال از دنیا رفت. با رحلت او غیبت کبری امام زمان (ع) آغاز شد. حضرت مهدی (ع) در توقیعی که به وی نوشت، زمان درگذشت وی را اعلام کرد و به او دستور فرمود نائبی برای خود مشخص نکند. در بخشی از این توقیع آمده است:

«ای علی بن محمد خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و درباره جانشینی این مقام نیابت به کسی وصیت مکن. زیرا غیبت دومی فرا رسیده است...»

قول مشهور در تاریخ رحلت علی بن محمد سمري پانزدهم شعبان ۳۲۹ می‌باشد. شیخ صدوق رحلت او را در ۱۵ شعبان ۳۲۸ هـ ذکر کرده است.

## نهاد مرجعیت و تداوم خط امامت و رسالت

اسلام، دینی جامع، کامل، جهانی و ابدی است. جامعیت اسلام به معنای توجه به همه ابعاد وجودی انسان در سراسر مراحل زندگی است. پس این نگرش جامعه را چون فرد می‌نگرد و دنیا را همچون آخرت. بنابراین، بهترین برنامه را برای انسان به ارمغان آورده است.

با توجه به پیش‌بینی‌های پیامبر (ص) از آینده جامعه اسلامی و ایمان آوردن آیندگان به آرمان‌های والای اسلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از وی، و غیبت طولانی دوازدهمین امام، ناچار برای تضمین تداوم رهبری اسلامی که حافظ و پاس‌دار همه ارزش‌های انقلاب است، باید جانشین و قائم مقامی برای امام غایب باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتد.

بنابراین، رهبری در عصر غیبت امام معصوم (ع) اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هم‌آهنگ با اصول اولیه اسلام است. انکار چنین نهادی

در عین حال و شریعت، انگیزه‌ها، حاکمیت و توانایی شریعت در اداره امور زندگی  
 به گونه‌ای است.

جمعیت فقیه شافعی و جامع شرایط، بهترین گزینه برای دوران غیبت امام  
 معصوم (ع) است. به همین دلیل، قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص)، و معصومان (ع) و سیره  
 پیغمبر (ص) است. نهاد مرجعیت را آموزگاری گرانبها در جامعه اسلامی نهادند تا در عصر  
 غیبت متبذل نشوند. وجود چنین نهادی در هزاره‌ای تاریخ پر پیچ و خم خود و با  
 سبب و شایع اجتماعی و حکومتی، در بهترین و وسیعیت فکری، علمی و سیاسی به سر  
 برده است.

آیه شریفه و انداره و آیه «برسش از اهل ذکر» خط کلی شریعت را برای فهم  
 و سرگیری احکام دین از متخصصان مطرح نموده و آیه حکومت دین به دست انبیا  
 و اولیا و «ربانیون و اخبار» عالمان و دانشمندان است. مرجعیت سیاسی پیامبر (ص)،  
 امامان (ع) و فقیهان دارای شرایط را تشریح و تقنین نموده است.

حادثت رسیده از پیامبر (ص) نیز عالمان را وارثان انبیا بر شمرده‌اند و فقیهان را  
 هماننداران پیامبران و حاکمان بر مردم و امیران یاد کرده‌اند.  
 احادیث رسیده از معصومان (ع) نیز به لزوم تقنین از فقیهان اشاره کرده‌اند و  
 مرجعیت علمی و دینی آنان را یاد کرده‌اند و آنان را حاکم و حجت بر مردم  
 بر شمرده‌اند. این احادیث مردم را در مدت دو قرن و نیم بر همین مسلک تربیت  
 نموده‌اند و بزرگ‌ترین مشکل عصر غیبت را، چاره‌اندیشیده‌اند.

نهاد و کثرت و نیابت در عصر غیبت صغری معالترین و مهم‌ترین نهاد متصل به  
 نهاد امامت است. معصومان (ع) بوده و حلقه وصل میان عصر حضور و عصر غیبت به  
 سبب می‌روند.

از این رو، همه وظایف ممکن و لازم برای رهبر در عصر حضور، به نایب و وکیل  
 خاص یا عام سیرده شده و به تناسب اوضاع سیاسی و مکانی، فقیهان همچون امامان

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۵.

۲- سوره انبیا، آیه ۷.

۳- سوره مائده، آیه ۴۴.

۴- کتاب فقه شافعی، ج ۱، و تألیف فقیه

معصوم (ع) پا به میدان می‌گذارند و چند و چون مسائل را کارشناسی می‌کنند؛ در هنگام تقیه به گونه‌ای و در جز آن هنگام به گونه‌ای دیگر.

تبیین و تبلیغ دین، رفع شبهات فکری و اعتقادی و رفع مشکلات علمی، سیاسی و قضایی از نخستین وظایف مراجع بوده و مراجع شیعه در عصر غیبت کبری، تألیفات گوناگون در علوم داشته‌اند. اسناد تاریخی، حضور فعال آنان را در صحنه‌های علمی و سیاسی بیان می‌کنند.

یازده قرن پیش، در حدود چنین سالی غیبت کبرای امام زمان (عج) آغاز شده است. در توقیع مبارک امام مهدی (عج) خطاب نائب چهارم، علی بن محمد سمري آمده است: «ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد، تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس امر (حساب و کتاب) خود را جمع و جور کن و درباره نیابت و وکالت به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند، زیرا غیبت کامل فرا رسیده است. دیگر تا آن روزی که خداوند متعال خواهد، ظهوری نخواهد بود و آن پس از مدت طولانی خواهد بود که دل‌ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پر گردد. به زودی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند کرد، بدان هر کس که پیش از خروج سفیانی و بر آمدن صیحه و بانگی از آسمان ادعای دیدن مرا نماید، دروغگو و تهمت زننده است. قدرت و توانایی از آن خداوند متعال است و بس.»

اینچنین است که فصل جدایی امام زمان (عج) و ما فرا می‌رسد و غیبت کبرای حضرتش شروع می‌شود. اما فکر نمی‌کنم هیچ کدام از کسانی که هنگام قرائت توقیع امام زمان (عج) حاضر بودند، فکر می‌کردند که کار غیبت به چنین درازا کشد و هجران ما و امام اینچنین طولانی شود.

در این یازده قرنی که امام به مانند خورشید پشت ابر، در غیبت به سر برده است، اتفاقات بسیاری برای شیعیان افتاده است. از حمله مغول گرفته تا ایجاد نخستین دولت شیعی و سپس نخستین انقلابی که بر پایه آموزه‌های مهدوی رخ داده است، همه در ایام غیبت کبرا اتفاق افتاده‌اند.

آنچه در این میان شایسته اهمیت است، نحوه ارتباط با امام در ایام غیبت کبری

است. هشداری که ایشان در توقیع خود به نایب چهارم داده است، نشان از این دارد که افراد زیادی ادعای مشاهده امام زمان را خواهند کرد و این خود از آسیب‌هایی است که طولانی شدن غیبت به دنبال داشته و دارد.

یازده قرن دوری میان امام و مردم، آسیب‌های دیگری نیز داشته است که مهم‌ترین آنها، عادت کردن به غیبت است. مردم چنان به غیبت امام زمان (عج) عادت کرده‌اند، که گاه حضور امام میان خود را تقریباً از یاد برده‌اند.

شک نسبت به وجود امام زمان (عج) آفت دیگری است که طولانی شدن غیبت به دنبال داشته است، در این میان مدعیان زیادی هم که ادعای امام زمانی کرده‌اند، در شک نسبت به وجود ایشان بی‌تأثیر نبوده‌اند.

دیگر آفتی که طولانی شدن غیبت به دنبال داشته است، حاکم شدن ناامیدی و یأس در دل‌های مؤمنان است. دسته‌ای از شیعیان متأسفانه فرق بین مفهوم غیبت امام و نبود امام را نمی‌فهمند و فکر می‌کنند عدم آشکار بودن چهره امام زمان (ع)، در واقع به معنی نبود ایشان است. این در حالی است که تفاوت بنیادین بین مفهوم غیبت و عدم وجود امام وجود دارد، نبود امام را می‌توان به شب تاریک تشبیه کرد اما غیبت امام مانند زمانی است که خورشید در پشت ابر به سر می‌برد و تنها زمین از تابش مستقیم اشعه حیاتبخش آن محروم شده است.

### آثار امام مهدی

#### آثار

با توجه به حضور محدود و کوتاه مدّت آن حضرت در دوران پدر بزرگوارشان و محدودیت‌های فراوان در دوره غیبت برای آن حضرت، نباید انتظار داشت که مطالب فراوانی از آن امام همام به دست ما رسیده باشد، اما با وجود همه این محدودیت‌ها، از آن حضرت آثاری اندک به یادگار مانده که بسیار مهم و راه‌گشا نمایند. آثار آن حضرت عبارتند از:

۱. مثل این روایت: «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتی علیکم و أنا حجّة الله علیهم.» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۴۳)

## یکم. روایت‌ها و احتجاج‌ها

این روایات به ایام کودکی و دوران کوتاه زندگی آن حضرت در زمان حیات پدر بزرگوارشان بازمی‌گردد.

## دوم. دعاها و نمازها

دعا، رابطه صمیمانه و زمزمه عاشقانه انسان با خداست. دعاهایی که از آن حضرت در دست است، به مضمون‌های بلندی اشاره دارند، مضمون‌هایی چون: شناخت خداوند، مقام شامخ اهل‌بیت (ع)، مقام امام زمان (عج)، قیامت، انتظار فرج، وظایف مؤمنان در عصر انتظار، پیروزی حق بر باطل، صبر بر شداید، رفع گرفتاری‌ها از مؤمنان، دعا در حق پیامبر و امامان معصوم (ع)، قضای حوائج، و بسیاری از مسائل اخلاقی و رفتاری دیگر. افزون بر دعاها، نمازهای فراوانی نیز

۱. برای اطلاع از مجموعه دعاهای آن حضرت نک: جواد قیومی اصفهانی، صحیفه المهدی (عج)؛ سید مرتضی مجتهدی، الصحیفه المهدیه. (و ترجمه فارسی آن با نام صحیفه مهدیه، ترجمه محمد حسین رحیمیان) نمونه‌ای از دعاهای آن حضرت در پی می‌آید:

«اللهم ارزقنا توفیق الطاعة، و بعد المعصية، و صدق النية، و عرفان الحرمة، و اکرنا بالهدی والاستقامة، و سد ألسنتنا بالصواب و الحكمة، و املأ قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحارم و الشبهة، و اذفأ أیدینا عن الظلم و السرقة، و اغضض أبصارنا عن الفجور و الخيانة، و اسدد أسمعنا عن اللغو و الغيبة. و تفضل علی علمائنا بالزهد و النصيحة، و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة، و علی المستعمین بالاتباع و الموعظة، و علی مرضی المسلمین بالشفاء و الراحة و علی موتاهم بالرافة و الرحمة و علی مشایخنا بالوقار و السکينة، و علی الشباب بالانابة و التوبة، و علی النساء بالحیاء و العفة. و علی الاغنیاء بالتواضع و السعة، و علی الفقراء بالصبر و القناعة، و علی الغزاة بالنصر و الغلبة، و علی الاسراء بالخلاص و الراحة، و علی الامراء بالعدل و الشفقة، و علی الرعية بالانصاف و حسن السیره. و بارک للحجاج و الزوار فی الزاد و النفقة، و اقض ما أوجبت علیهم من الحج و العمرة بفضلك و رحمتک، یا ارحم الراحمین؛ (الكفعمی، مصباح، ص ۲۸۱)

بار الها! به ما توفیق فرمان‌برداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و نیت پاک و بی‌الایش و شناخت و معرفت آنچه نزد تو ارزشمند است، عطا فرما و ما را به هدایت و پایداری، گرامی دار و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت لبریز فرما و شکم ما را از طعام حرام و شبهه‌ناک پاک گردان و دست ما



از آن حضرت نقل شده است.

### سوم. زیارت نامه‌ها

زیارت، امام‌شناسی و گویای رابطه انسان با امام است که در آنها به معارفی بلند درباره امام‌شناسی، شأن و مرتبت آن بزرگواران و وظایف و تکالیف مؤمنان با آنان و نیز برخی حقایق و مجاهدت‌ها و تاریخ امامان معصوم (علیهم السلام) پرداخته‌اند.

### چهارم. توقیعات و بیانات

آن حضرت توقیعات (نامه‌های) فراوانی به برخی از نوابان خاص (نواب اربعه)، یا نوابان عام (هم‌چون شیخ مفید) و یا بعضی از شیعیان و پیروان خود دارد. برخی از این نامه‌ها در جواب برخی پرسش‌ها و برخی دیگر نخست از جانب آن حضرت صادر شده است. درون‌مایه این نامه‌ها مسائل گوناگونی را دربردارد؛ مسائلی چون: پرسش و پاسخ‌های فقهی، نقش امام در دوران غیبت، برخی هشدارها و پیشگویی‌ها، تأیید و تکذیب برخی افراد، وظایف منتظران، مرجعیت فقیهان در عصر غیبت و...

افزون بر توقیعات، از آن حضرت سخنان فراوانی نیز در باب مسائل مختلف به یادگار مانده است. این سخنان از جانب کسانی نقل شده که به حضور حضرت شرفیاب شده‌اند. محمد بن عثمان عمروی دومین سفیر آن حضرت می‌گوید: آن حضرت را برای آخرین بار در کنار خانه خدا در مکه دیدم که چنین دعا می‌کرد:

اللهم أنجز لی ما وعدتني؛

---

را از ظلم و تعدی و تجاوز بازدار و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ دار و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان. و به دانشمندان ما زهد و بی‌رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی و به دانش‌آموزان ما جدیت و شوق و رغبت و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری و به بیماران مسلمان شفا و آسایش و به مردگان آنان رأفت و رحمت و به پیرمردان ما وقار و متانت و به جوانان، بازگشت به سوی تو و توبه و به زنان، حیا و عفت عنایت فرما. و به ثروتمندان تواضع و سعه صدر و به فقیران صبر و قناعت و به رزمندگان نصرت و پایداری و به اسیران آزادی و آسایش و به امیران و فرماندهان دادگری و مهربانی و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما.»

بار خدایا آنچه که به من وعده کردی، انجام ده.  
و دیدم که در مستجار پرده کعبه را گرفته و عرضه می‌دارد:  
اللهم انتقم لی من اعدائی؛  
بار خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر!

### دعاهای مربوط به امام عصر (عج)

ادعیه و زیارت‌های مربوط به امام زمان (عج) بخش مهمی از فرهنگ شیعه را به خود اختصاص داده است. چنان‌که علامه طباطبایی از قول شرق‌شناس معروف فرانسوی، هانری کربن در گفتگویی که با وی داشته است نقل می‌کند که او می‌گوید: «دعاهای مسیحیت را دیده‌ام و در اسلام هم مطالعاتی دارم. از دعاهای آن‌ها استفاده می‌کنم اما بیشتر تر دعاهای من، انتخاب شده از دعاهای امام زمان شاست.»  
این گستردگی منشأیی جز این ندارد که آن حضرت، خاتم اوصیا و امید امت‌هاست و با امامتی که تا کنون دوازده قرن از آن می‌گذرد، نمونه‌ای در انبیا و امامان گذشته است. جمع‌آوری و تدوین ادعیه و زیارات مربوط به آن حضرت به صورت‌های مختلف تا کنون انجام شده و دایره وسیعی دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین اهری، مؤلف کتاب صحیفه المهدی که حاوی ۴۲ دعای وارده از امام عصر (عج) است، در پیشگفتار این کتاب، آورده است: «گاهی از رهگذر زیارت‌نامه‌های رسیده از اهل بیت بهره می‌بریم؛ مانند زیارت جامعه کبیره، امین الله، وارث، عاشورا، اربعین و جز آن‌ها که به انسان شرف و برتری و پرهیزکاری تلقین می‌کند و گاهی با نیایش و راز و نیاز مرهون عنایت خداوند می‌شویم، زیرا نیایش‌هایی که از اهل بیت رسیده امانت‌های گرانبها و تراوش‌های رحمانی و جرقه‌هایی از بندگان برگزیده و نیک خداست و نیایش برگشت پرتوهای قرآن از جان‌های پاک است... به‌ویژه نیایش امام زمان (عج) که راز هستی و فرمانروای زمان و تنها بازمانده خدا در روی زمین است و همه جنس‌ها به راد اوست. آن کس که جانم و جان حیوانم فدای او باد...»  
این کتاب در تهران، انتشارات «مجمع‌التحقیق» و نیایش‌هایی آورده

از جمله مهم‌ترین این دعا‌های مربوط به امام عصر (عج) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۱. دعای ندبه

این دعای شریف، از اعمال سرداب مقدس امام زمان (عج) و نیز از اعمال عید فطر و روز جمعه است و خواندن آن در همه اوقات مناسب است. این دعا گرچه مربوط به امام زمان (عج) است، ولی می‌توان گفت یک دوره عقاید تشیع در آن آمده است. در این دعا ابتدا توحید و سپس نبوت انبیا (ع) و پیامبر و بعد مسئله وصایت امیرالمؤمنین (ع) و فتنه‌های پس از پیامبر (ص) آمده و پس از اشاره‌ای به ائمه (علیهم السلام) موضوع امام زمان (عج) آورده شده و درباره غیبت و دیگر جوانب مربوط به آن حضرت در قالب شکوای دل خطاب به حضرت آمده است و در آخر هم دعا‌هایی بسیار مختصر و جامع آمده است.

### ۲. دعای عهد

از دعا‌های مشهور که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی (عج) فراوان مورد سفارش قرار گرفته دعای عهد است. این دعا، در بردارنده درود ویژه از طرف خواننده دعا و نیز از سوی تمام مردان و زنان با ایمان - در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا و از پدر و مادر و فرزند خواننده دعا - به پیشگاه حضرت ولی عصر است. پس از آن، عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت را تجدید می‌کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می‌دارد. آنگاه از خداوند می‌خواهد که اگر مرگ وی فرا برسد، در حالی که امام زمان (عج) ظهور نکرده باشد، پس از ظهور، او را از قبر برآورد به یاری آن حضرت سعادت‌مند کند. بعد از آن، درخواست دیدار امام (عج) با عبارت ظریفی بیان شده است و دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت راستین و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است.

## ۳. زیارت آل یاسین

این زیارت توقیعی است که از ناحیه مقدس امام عصر(عج) صادر گشته و حضرت می‌فرمایند: هرگاه خواستید به ما توجه پیدا کنید، همان‌گونه که خداوند فرمود، بگویید: «سلام علی آل یاسین...» این زیارت بسیار معتبر و پرمحتوی است و می‌توان گفت: خلاصه‌ای از عقیده هر شیعه در زمان غیبت است و آنچه یک شیعه باید در زمان غیبت بداند در آن آمده است. در این زیارت ابتدا سلام‌های متعددی با مضامین بالا، خطاب به امام زمان(عج) آمده و سپس حضرت را برای عقاید قلبی خود از اقرار به ائمه(ع) و دیگر عقاید شیعه شاهد می‌گیرد.

دعاها و زیارات مخصوص امام عصر(عج) فراوانند و در ادعیه و زیارات عام نیز بسیار اشاره به آن امام همام شده است اما نام برخی دیگر از ادعیه و زیاراتی که مخصوص ایشان است، بدین شرح است: «زیارت حضرت در حرم سامرا»، «زیارت امام زمان در سرداب مقدس»، «صلوات بر امام زمان(عج)»، «زیارت حضرت پس از نماز صبح»، «دعا در زمان غیبت»، «زیارت امام زمان(عج) در روز جمعه»، «دعا برای حضرت در شب نیمه شعبان»، «دعا برای امام زمان(عج) در روز جمعه»، «دعا برای امام زمان(عج) در سرداب مقدس» و «دعا برای امام زمان(عج) در زمان غیبت».

## مدعیان مهدویت

همیشه در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که سعی کرده‌اند با سوء استفاده از علاقه‌ای که مردم به مسائل مذهبی و دینی دارند، برای خود کیسه‌ای بدوزند و حق را مخفی کنند و اندیشه‌های باطل خویش را به جای آن مطرح کنند. در واقع این عده، آلت دستان شیطان هستند که پس از سجده نکردن به آدم(ع) و مورد خشم و غضب خداوند قرار گرفتن، برای گمراه کردن آدمیان قسم خورده است.

شناخت کسانی که در طول تاریخ ادعای مهدویت یا ارتباط با امام زمان(عج) را داشته‌اند از این رو مفید خواهد بود که امروزه نیز کسانی دست به چنین ادعاهایی

می‌زنند و یا پیروان مدعیان منحرف گذشته، با رنگ و لعاب جدیدی دست به فعالیت می‌زنند که شناخت سر منشاء این ادعاها، باعث آگاهی از نادرست بودن آنها می‌شود.

کسانی که در تاریخ به عنوان مدعی مهدویت شهرت یافته‌اند، به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم هستند:

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه‌های خاصی، آنان را مهدی نجات‌بخش خواندند؛

۲. کسانی که به انگیزه جاه‌طلبی و قدرت‌خواهی، چنین ادعای دروغینی داشتند؛

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین فریبی دست یازیدند و خود را مهدی نجات‌بخش، معرفی کردند.

گروه اول: این واقعیت از تاریخ به دست می‌آید که برخی کسانی که ادعای مهدویت به آنها نسبت داده شده نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته است و نه خود بدان راضی بوده‌اند؛ بلکه یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آنها نسبت داده و این اندیشه را گسترش دادند. البته می‌بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت‌های نادرست را به شدت نفی می‌کردند؛ اما روشن نیست چرا خود آنان، برابر این عنوان ساختگی، اعتراض نکردند و پیروانشان کوشیدند برخی نشانه‌های حضرت مهدی را به این چهره‌ها تطبیق و تفسیر کنند.

برای نمونه می‌توان به محمد حنفیه، زید فرزند امام سجاد(ع) و محمد بن عبدالله محض اشاره کرد.

گروه دوم: کسانی بودند که به انگیزه‌های فریب‌کارانه و جاه‌طلبانه، ادعای مهدویت نمودند و برای جلب عواطف و به دست آوردن قدرت، به دروغ، خود را مهدی نجات‌بخش معرفی کردند. از جمله این گروه، مهدی عباسی است. پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد پسرش مهدی عباسی، همان مهدی موعود است. این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، به محمد بن عبدالله محض - به عنوان مهدی

نجات بخش - دست بیعت داده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست.

گروه سوم: عناصری بودند که بر اساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویت کردند. استعمار پلید برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد اختلاف و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنه بسیاری کشید. از نقشه های شیطانی استعمار در این میدان، ساختن مرام ها و مسلک های رنگارنگ میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود، تا بدین وسیله، بی ایمانی و سست باوری و تزلزل دلها را در جامعه اسلامی پدید آورد از چیزهایی که در این میدان، از آن بهره بردند، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. در این راه، برخی عناصر به دلخواه خویش تربیت کرد و به آنان دستور داد ادعای مهدویت کنند و با همه امکانات در این راه به آنان یاری رساند.

از جمله کسانی که ثابت می کند موضوع مهدویت و ظهور یک مصلح غیبی از مسائل مسلمی بوده که مسلمانان بدان اعتراف داشته اند، ادعای عده ای است که در طول تاریخ خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرده اند.

اسامی برخی مدعیان مهدویت در طول تاریخ از این قرار است: ابواسحاق ابو عبیده ثقفی، کیخسرو، ابوالحسن زید بن علی، ابوالعباس سفاح، ابومسلم امین آل محمد، ابن مقفع، ابومحمد عبدالله مهدی، حاکم بامرالله، ابوعبدالله مغربی، مهدی سودانی، عباس الریفی، الرجل الجبلی، تزری، الرجل الطرابلسی، السید محمد الجونیوری الهندی، سید محمد مشهدی، موسی کردی، ابوالکرم دارانی، شیخ علایی، عبدالله عجفی، بنگالی، محمد بن احمد سودانی، شیخ سعید یمانی، السید محمد بن علی بن احمد الادریسی، الشیخ شمس الدین محمد الفریانی بن احمد المغربي، الشیخ المغربي، الرجل المصری، محمد بن عبدالله، محمد قرمانی، غلام احمد قادیانی، میرزا طاهر (مشهور به حکاک)، شیخ مهدی قزوینی، سید محمد گجراتی هندی، سید محمد همدانی، سید ولی الله اصفهانی، میرزا حسن همدانی، غلامرضا شاه (معروف به مرکب ساز)، سید علی شاه هندی، هاشم شاه نوربخش، شیخ عبدالقدیر بخارایی، میرزا بلخی، ملا عرشی کاشانی،

سید علی موسوی، میرزا مشتاق علی شیرازی، بایزید ترکمانی، سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء و یوسف خواجه کاشغری.

### منابع بیشتر برای مطالعه

مجموعه حاضر، بسیار مختصر بوده و مباحث مختصری را شامل می‌شود. برای مطالعه بیشتر، تعدادی از کتب که در این نوشتار مختصر استفاده شایانی از آنها شده است، معرفی می‌شوند. مراجعه مستقیم به این کتاب‌ها در مواردی که خواننده احساس می‌کند مباح مطرح شده در این مختصر، کافی نیست، توصیه می‌شود.

### کمال‌الدین و تمام النعمه

محمد بن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق (۲۸۱ ق / ۹۹۱ م)، کتابی در مسئله غیبت با عنوان کمال‌الدین و تمام النعمه نوشت. محتوای کتاب ارزشمند بوده، زیرا بر مآخذ اصلی شیعه (الاصول) که قبل از سال (۲۶۰ ق / ۸۷۴ م) گردآوری شده تکیه دارد (نک: کمال‌الدین، ص ۱۹). از این رو، درمی‌یابیم که وی اغلب، خواننده را به نویسندگانی چون حسن بن محبوب، فضل بن شاذان، حسن بن سماعه، صفار، حمیری و ابن بابویه پدر خود که رابطه نزدیکی با سومین و چهارمین سفیر امام دوازدهم داشت، ارجاع می‌دهد. شیخ صدوق به خاطر آن که پدرش از فقهای عالیقدر و وکیل امام در قم بود، توانست اطلاعات موثقی را درباره ارتباطات پنهانی بین وکلا و امام به وسیله چهار سفیر ارائه دهد. در عین حال، مطالعه سلسله روایات (اسناد) بعضی از روایات او درباره تولد امام دوازدهم (عج) این نکته را می‌رساند که شیخ صدوق اطلاعات خود را از غلاتی، چون محمد بن بحر دریافت داشته است. لذا، باید در به کارگیری این روایات دقت کافی را مبذول داشت.

شیخ صدوق انگیزه خود را از نوشتن این کتاب چنین اعلام می‌دارد: «آنچه مرا واداشت که به نگارش این کتاب پردازم، این بود که در هنگام بازگشت از زیارت امام رضا (ع) وقتی به نیشابور رسیدم، دیدم شیعیان آنجا درباره قائم (عج) مسئله‌دار

شده‌اند. سعی کردم، آنان را با بیان روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) رسیده، به راه درست رهنمون گردانم. در این ایام، یکی از بزرگان مشایخ دانش و تقوا، از اهالی قم، به نام نجم‌الدین ابوسعید محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی در بازگشت از سفر بخارا، بر ما وارد شد. روزی درباره آرا و باورهای برخی از فلاسفه و علمای منطق بخارا گفت: از آنان درباره حضرت قائم (عج) سخنانی شنیدم که مرا درباره غیبت طولانی حضرت، دچار حیرت و تردید کرد، من مطالبی در اثبات وجود حضرت مهدی (عج) برای از بین بردن تردید او بیان کردم و روایاتی چند درباره غیبت، بر او خواندم، حیرت او برطرف شد و دلش آرام گرفت، از من خواست، کتابی درباره غیبت حضرت مهدی (عج) بنویسم، پذیرفتم و به او وعده دادم که ان شاء الله وقتی به وطن خود (ری) برگشتم، آن را عملی خواهم ساخت، تا این که شبی در خواب دیدم خانه کعبه را طواف می‌کنم و به حجرالاسود رسیدم و آن را استلام کردم، ناگاه دیدم، امام زمان (عج)، کنار در کعبه ایستاده است؛ سلام کردم، حضرت جواب دادند.

فرمود: «چرا کتابی درباره «غیبت» نمی‌نویسی، تا ناراحتی‌ات برطرف شود؟»

عرض کردم: «یا بن رسول الله (ص) من کتاب‌ها درباره غیبت شما نوشته‌ام.»

حضرت فرمود: «نه، آن موضوعات را نمی‌گویم، کتابی درباره غیبت من بنویس و غیبت‌های پیامبران را در آن نقل کن.» سپس از نظرم غایب شد. من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر به گریه و زاری پرداختم، چون صبح شد، به منظور انجام امر ولی الله و حجت خدا، آغاز به نوشتن این کتاب کردم. (نک: کمال الدین، مقدمه).

این کتاب دائرةالمعارف روایی است با دسته‌بندی و تبویبی مناسب درباره موضوعات مربوط به امام دوازدهم (عج).

### تاریخ عصر غیبت

این نوشته، کاری گروهی است که در ابتدا به سفارش مرکز جهانی علوم



اسلامی (جامعة المصطفی العالمیة) برای تدریس «تاریخ عصر غیبت» و تحت نظارت حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی در مدتی کوتاه به سرانجام رسید و طی سالهای ۷۶ و ۷۷ در آن مرکز، تدریس شد. و از آن پس، خلاصه آن نوشتار «درسنامه تاریخ عصر غیبت» نام گرفت و پس از گذشت چند سال، متن کامل کتاب با اصلاحات و اضافاتی برای استفاده عموم به گونه کمک درسی منتشر شد.

گفتنی است که حجت الاسلام والمسلمین مسعود پورسیدآقایی برای نگارش و تدوین بخش‌های یک تا چهار و نیز بخش نهم، حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا جباری، برای سامان‌دار بودن بخش‌های پنجم و ششم و فصل‌های هفتم و هشتم از بخش هفتم، و حجج اسلام حسن عاشوری و سیدمنذر حکیم به ترتیب برای بخش‌های هفتم و هشتم کوشیده‌اند.

#### تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)

تألیف دکتر جاسم حسین این کتاب را آقای دکتر سید محمدتقی آیت‌اللهی به فارسی ترجمه نموده و می‌توان گفت: یکی از بهترین کتاب‌ها در موضوع خود است. ما نیز در نوشتن این فصل استفاده‌های شایانی از آن بردیم.